مقدمه ای بر روابط عمومی الکترونیک

دکتر سلطلنی‏فر،مهندس مهدی مومنی نورآبادی

نوبت و تاریخ چاپ:اول تابستان 1382 شمارگان:5000 جلد

قطع:وزیری شابک:0-94885-964 قیمت:17000 ریال ناشر:انتشارات سیمای‏ شرق

روابط عمومی اکترونیک یکی از جدیدترین مباحث ارتباطات است که قصد دارد تمامی حوزه‏های مربوط به خود را دچار تحول ریشه‏ای کند.استفاده از تکنولوژی‏های نوین ارتباطی و اطلاعاتی سبب ارتقا سطح کیفی و کمی کارکردها در حوزه فعالیت روابط عمومی‏ها شده است.

از طرفی روابط عمومی الکترونیک را می‏توان یکی از پیش شرطهای مهم برای‏ تحقق دولت الکترونیک و سایبر دموکراسی دانست.

این کتاب از سه بخش اصلی با عنوان کلیات و مفاهیم روابط عمومی-تکنولوژی‏ ارتباطات و اطلاعات و آینده-روابط عمومی اکترونیک و در 8 فصل با عنوان:روابط عمومی چیست؟روابط عمومی و ارتباطات-روابط عمومی و اطلاع‏رسانی نوین- تکنولوژی‏های نوین ارتباطی و تکنولوژی اطلاعات-تجارت الکترونیک و دولت‏ الکترونیک-تعاریف و کلیات روابط عمومی الکترونیک

بخش T در روابط عمومی-تعامل رایانه و انسان و جایگاه آن در روابط عمومی‏ تدوین شده است.

نویسنده در مقدمه کتاب خود نوشته است:مجموعه تحولات را در بستر جامعه‏ اطلاعاتی (nformation socity) جستجو می‏کنیم جامعه اطلاعاتی قبل از هرچیز مولود پیوندهای سخت افزاری و نرم‏افزاری متعددی است که ریشه در ساختار فنی- اجتماعی آن دارند.

در نهایت واژه جامعه اطلاعاتی و مفاهیمی شبیه به آن یعنی در عصر اطلاعات nformation age و اقتصاد دانش،جامعه‏ای را توصیف می‏کند که برای تولید انواع کالاها و خدمات وابستگی زیادی به کاربرد تکنولوژی اطلاعات دارد.

باتوجه به نکاتی که ارایه شد باید گفت:که در این کتاب سعی شده است مساله‏ «روابط عمومی الکترونیک»را در بستر«انقلاب ارتباطات و اطلاعات»از بعد فلسفی‏ بررسی کند تا سرآغازی برای شروع دورانی نوین در روابط عمومی‏باشد.

مقدمه‏ای بر روابط عمومی الکترونیک

پشت رایانه بنشین و چشمانت را ببند و اگر نتوانستی ببینی...

در اتفاقات روزمره زندگی بعضی اوقات می‏شود که شخص کم می‏آورد.بعد از ملاقت با آقای هاشمیان بک چنین حالتی داشتم.ماجرا از جایی شروع شد که در دفتر کارماهانه‏ قراری را هماهنگ کرده بودند.توی شلوغی‏های کار،موضوع ملاقات برایم مشخص نبود. وقتی هاشمیان آمد پیش فرزهایم به‏طور تقریبی غلط از آب درآمد.به من گفته بودند از موسسه خیریه حمایت از نابینایان و ناشنوایان شخصی می‏آید و قصه الهذا... جوانی بود پر شور و پر انرژی که بخش عمده فعالیت خود را با همسرش در مجموعه‏ مذکور می‏گذراند.وقتی از اعضای موسسه صحبت می‏کرد احساس خوبی به من دست می‏ داد.احساس این‏که دلت می‏خواهد تو هم به نسبتی سهیم باشی.زمانی که از مشکلات و ناملایمات کار حرف می‏زد در ذهنم‏ دنبال راه حلی می‏گشتم تا شاید سهمی داشته باشم. هاشمیان از من خواست تا در نشریه،او و فعالیت‏هایش را معرفی کنم.شاید به نوعی یک‏ رپورتاژ آگهی!وقتی پرسیدم این معارفه چه تاثیری خواهد داشت؟یا چه توقعی داری؟و... چند سوال دیگر...تمام جواب‏ها به امید تلاش ختم می‏شد. از او مطلبی برای اقدامات مهم و اثر گذارش خواستم،پوشه‏ای از کیفش بیرون آورد و گفت‏ نمی‏دانم این مطلب مفهوم است یا خیر ولی به‏هرحال بخشی از فعالیت‏های ما در این‏ مطلب گنجانده شده است. پوشه را گرفتم.با دیدن محتوای آن‏که بیشتر بریده جراید و نشریات بود تعجب کردم. بالاخره بعد از چهار ساعت گفتگو خداحافظی کرد و رفت.پوشه همچنان روی میز بود و تیتر مطالب جلوی چشمانم حضور سنگینی داشت! احساس گنگ و نامعلومی داشتم.برای نوشتن گزارش تصمیم آخرم این شد که تمام‏ حرفهایش را بی‏واسطه بنویسم تا خوانندگان خود قضاوت کنند. نمی‏دانم این حس کم آوردن فقط متعلق به من بود و یا هرکس دیگری نیز با خواندن‏ مطلب دچار همین حالت شود؟! فقط برای چند لحظه هم که شده پشت دستگاه رایانه بنشین و چشمانت را ببند و سعی کن‏ با آن کارکنی و اگر نتوانستی تازه متوجه حال من می‏شوی و در می‏یابی که این عزیزان‏ در دنیای ارتباطات و تکنولوژی ابزاری،چه کرده‏اند؟